

راه محسن خلیلی
در یک نگاه



پیش‌گفتار

ورود به صنعت نوین که از شاخص‌ها و مظاهر نوگرایی جامعه است، سابقه بیش از یکصد ساله در تاریخ توسعه ایران دارد که با خود در تمامی شئون و از جمله مناسبات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تغییرات چشمگیری را پدید آورده است. در طول این تاریخ بلند، همواره کارآفرینان و نخبگانی به تنهایی و متکی به اراده و همت خود روی به صنعت آورده‌اند و مسئولانه به نیازهای جامعه پاسخ داده‌اند. این حرکت طی این زمان افت و خیزهای بسیار و تغییرات پر دامنه‌ای را در زمینه سیاستگزاری، برنامه‌ریزی و اجرا تجربه کرده است. گرچه در مقاطعی از زمان، فرآیند پیشرفت روان و سیال بوده است اما گاهی نیز دشواری‌ها به صورت فزاینده از چند سو چنان کارآفرینان را در معرض تهدید و فشار قرار می‌دادند که بعضی به ناچار با تاسف ساخته خود را رها کرده و از ادامه کار باز می‌ماندند و در مقابل برخی نیز با مساعی و تلاش خستگی‌ناپذیر کوشیدند و می‌کوشند که قابلیت‌های خویش را به اثبات رسانند و با برپاسازی کانون‌ها و مراکز تولیدی و صنعتی که در بطن آنها سازندگی و رفاه جامعه می‌تپد را تا سرحد توسعه یافتگی ادامه دهند.

محسن خلیلی بدون شک یکی از همین کارآفرینان و مردان بزرگ عصر حاضر است که بیش از پنج دهه این مسیر را می‌پیماید و به عنوان خدمتگزار بخش خصوصی راه پرسنگلاخ و سخت را همچنان طی می‌کند تا اثربخشی صنعت و کارآفرینان آن را به فضایی که کم و بیش با صنعت سازگاری دارد به یک واقعیت محسوس تبدیل کند.

آنچه به عنوان عامل اصلی حرکت خلیلی در این مسیر به حساب می‌آید، بینش، نگرش، اعتقادات، باورها، انگیزه‌ها و اهداف اقتصادی و اجتماعی وی است که سبب گردید برای تحقق آرزوهایش تمام عمر کاری خود را در تلاش باشد. طبعاً آگاهی و شناخت از چگونگی حرکت در این مسیر و راه که بخشی از حافظه صنعتی کشور است، موجبات کمک به درک و فهم رفتارهای اقتصادی در سطح خرد و کلان را فراهم می‌کند و گوشه‌هایی از خاستگاه تجدد صنعتی و تحول نحوه زندگی مدرن در ایران دوره کنونی را آشکار می‌سازد. همچنین شناخت راه و تجربه کارآفرینانی چون خلیلی به تقویت فهم ریشه‌های هویت ایرانی یاری می‌رساند و با یافتن بخشی از حلقه‌های مفقوده در بررسی تاریخ اقتصادی ایران به منظور تبیین ساخت رفتارهای اقتصادی جامعه به حل مسایل و مشکلات موجود کمک می‌کند و الگویی برای

کارآفرینان امروز و فردای میهن خواهد بود که برای توفیق در جهت صنعتی کردن جامعه راهی جز تلاش و مجاهدت و مقاومت در مقابل مسائل و سختی ها وجود ندارد. به این اعتبار، نوشتار حاضر جستاری از زندگی خصوصی، حرفه ای، صنعتی و اجتماعی محسن خلیلی، یکی از برجسته ترین فعالان صنعتی ارزش مدار و اخلاق مند تاریخ معاصر ایران که بر مبنای مستندات و مصاحبه‌ها و روایت های اعضای خانواده، یاران و دوستان صنعتگر، مدیران و همکاران وی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و پس از بحث و گفتگو و ابراز نظر و تعاطی دیدگاه با شخص ایشان نهایی شده است. امید آنکه شرح حال، عملکرد، و نیز اندیشه و فلسفه‌ای که وی در طول بیش از پنج دهه فعالیت‌های صنعتی و اجتماعی بر آن تاکید داشته در فرصتی مناسب بطور تفضیلی مورد پژوهش قرار گرفته و برای مطالعه پویندگان راه صنعتی کردن کشور و توسعه اقتصاد ملی ارائه گردد.

این نوشتار در شش بخش تنظیم شده است. ابتدا، شخصیت و جهان بینی خلیلی آن طور که در زندگی و فعالیت های وی قابل مشاهده بوده است، مورد بررسی قرار گرفته و سپس به اندیشه ورود به صنعت متأثر از تعلیمات پدر صنعتگرش و اتفاقات دوران ملی شدن صنعت نفت پرداخته می شود. بخش سوم به چرایی برگزیدن شکل گرایی در راه توسعه صنعتی اختصاص داده شده است. بخش چهارم به فعالیت صنعتی خلیلی و راهبری صنعت گاز مایع می پردازد. در بخش پنجم، مقاومت و مقابله خلیلی در مواجهه با مسائل قضایی مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. نهایتاً اعتقادات و باورهای کلیدی وی در راه توسعه صنعتی در بخش ششم آمده است.

آنچه در این مجموعه بررسی ارائه می شود، بزرگنمایی و اسطوره سازی از محسن خلیلی نیست بلکه کوششی است از یک پژوهشگر به عنوان یک وظیفه و رسالت ملی در کمک هر چند ناچیز به تاریخ اقتصادی ایران برای تبیین ساخت رفتارهای اقتصادی و انتظار می رود راه تکمیل و جامعیت را به مدد عالمان و متخصصان علوم اجتماعی به پیماید. تا رسیدن به یک جامعه صنعتی راه درازی در پیش است که تنها از طریق تجهیز عزم ملی و خواست عمومی و مشارکت آحاد مردم باید پیموده شود و کشور را که دارای مزیت ها، امکانات و ویژگی های نادر و استحقاق برای بالندگی بیشتر است به درجه و مرتبه ای که شایسته آن است رهنمون نماید.

شخصیت و جهان بینی

محسن خلیلی یکی از برجسته ترین فعالان صنعتی اخلاق مند و ارزش مدار تاریخ معاصر ایران، که به اهمیت نهادهای بخش خصوصی در تصحیح و پیشرفت امور و کاهش مداخله دولت به منظور گذار به جامعه توسعه یافته توجه نموده است. علاوه بر نهادسازی، به حکمرانی خوب به عنوان مقدمه ضروری اصلاح سیاستگذاری در حوزه بخش عمومی و گروه های ذینفوذ و قدرتمند تاکید داشت. زندگی حرفه ای، صنعتی و اجتماعی وی عمدتاً در حوزه تاسیس و توسعه نهادهای اجتماعی و نیز ایجاد و توسعه گروه بوتان صرف گردید.

محسن خلیلی در سال ۱۳۰۸ در خانواده ای صنعت پیشه و روحانی در تهران به دنیا آمد. او فرزند ذکور ارشد مردی معتقد و خودساخته و کارآفرین محمود خلیلی بنیانگذار صنعت برق نوین و استفاده از گاز مایع در کشور، و بانویی عاشق و صبور و فداکار به نام جمیله است. پنج ساله بود که وی را روانه کودکانستان برسابه کردند. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه پانزدهم بهمن آغاز کرد. در حالیکه ۹ ساله بود به تجریش نقل مکان کردند و از کلاس سوم دبستان به مدرسه شاهپور تجریش رفت و پس از پایان دوره ابتدایی و سیکل اول متوسطه، دوره دوم متوسطه را در دبیرستان ایرانشهر و کالج البرز گذراند. وی پس از اخذ دیپلم ریاضی از دبیرستان البرز در دانشگاه تهران در رشته مهندسی الکترومکانیک ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۳۲ با دریافت درجه مهندسی فارغ التحصیل شد و دوشادوش پدر در خدمت به صنعت کشور کمر همت گماشت.

محسن خلیلی عشق به میهن و ارزش نهادن به کار و تلاش و اصول اخلاقی را در خانواده آموخت. اولین تجربه با وسایل صنعتی مثل دوچرخه، موتور و برق را در خانه و از طریق پدرش آشنا گردید. به کارهای فنی و درس ریاضی علاقه خاص داشت و معتقد بود که همه چیز بر پایه ریاضیات بنا می شود. به برادران و خواهران خود و دوستان و همسایگان در مشکلات ریاضی کمک می کرد. عشق زیادی به مادرش داشت و از وی به عنوان معلم موثری در آموزش اخلاقیات به او یاد می کند. حتی از دوران نوجوانی دارای گرایش های اصیل مذهبی بوده است و در شرایط سخت و ویژه که می خواست از درستی تصمیم اتخاذ شده اش مطمئن گردد متوسل به تفال با قرآن مجید می شد و بر این باور است که پیوسته راهبری های قرآن در این تفالات برایش کارساز بوده است. در مقابل بی عدالتی و کمک به نیازمندان حساس بود و همین

روحیه و جانبداری ها در مدرسه سبب مشکلاتی برای وی می گردید که با مداخله پدرش حل می شد

محور اصلی زندگی محسن خلیلی توجه به توسعه شخصیت، ذهنیت و الگوهای رفتاری انسان‌ها بوده است و بر این اساس زندگی خصوصی، حرفه ای، صنعتی و اجتماعی وی سراسر از عزت و آزادگی و عشق و محبت به انسان‌ها بوده است. به نظر وی صنعت تندیس عزت و استقلال یک ملت است و انسان دارای فرهنگ صنعتی را انسانی می داند که از مهارت‌ها، شایستگی‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های تفکر و الگوهای رفتاری مناسب برای فعالیت کارآ و اثربخش در نظام پیچیده صنعتی برخوردار است.

خلیلی یک انسان واقع‌گرا و در عین حال آرمان‌گرا است. او همواره در جستجوی عینیت و جهان واقع است و در همان حال به چشم‌انداز آرمانی می‌اندیشد. در این رویکرد، آزادی و عدالت را هم به مثابه هدف اولیه توسعه و هم به عنوان ابزار اصلی دستیابی به آن می‌داند. وی از محدود کارآفرینانی است که گذار به جامعه توسعه یافته را در گروهی کارگروهی و مشارکت خلاق در تعیین سرنوشت و استفاده از خرد جمعی می‌داند و برای رسیدن به این هدف در طول بیش از پنج دهه، علاوه بر صنعت که آن را سنگر خود می‌داند پیوسته به شکل‌گرایی، اشاعه فرهنگ صنعتی و تعامل با دولت متوسل شد و در این راه نهادها و تشکل‌های متعدد اقتصادی و صنعتی را سازمان داد.

خلیلی در تعقیب راه عاشقانه خود همواره با دولت و طبقه محبوب کارگر دوست بوده به نحوی که حتی با همکاران و کارکنان نیز رابطه رئیس و مرئوسی درهم نوردیده شده و آنها را خویشاوندان نسبی خود خوانده و همیشه آنها را نیز به عزت و آزادگی دعوت کرده است. بواسطه رفتار بسیار صمیمانه با دولت از جمله رهبران کسب و کار در سطح ملی محسوب می‌شود که همواره مورد احترام مقامات دولتی بوده است. وی هنگامی که به نمایندگی از کارفرمایان ایران به سازمان بین‌المللی کار (ILO) رفت، به خوبی دریافت که از ۸۰ سال قبل اندیشه پذیرفته شده در ILO همکاری بخش خصوصی، دولت و طبقه کارگر بوده است.

به اعتقاد محسن خلیلی، صنعتگر کارآفرین باید سنگرش واحد اقتصادی اش باشد و محل تلاش، مبارزه و چالش وی هم اجتماع خارج از خودش و به نفع بخشی که در آن فعال است، باشد. کارآفرین صنعتگر باید در مسیر حرکت سازندگی کشورش

سعی نماید که فرهنگ لازم را بوجود آورد و از طریق اشاعه آن فرهنگ و انباشت سرمایه اجتماعی، جامعه را همراه کند و همین کار را نیز بسیار صمیمانه با نهادهایی چون دولت و مجلس انجام دهد. در این راستا وی می گوید: "من یکی از تصادفات کارآفرینی در شصت سال گذشته ام. هیچ کارآفرینی را نمی شناسم که برای بقای بخش خصوصی به امید توسعه صنعتی و رفاه اجتماعی و سعادت ملت ایران به اندازه من زجر کشیده، تلاش کرده و صبر و تحمل نموده و از پای ننشسته باشد".

خلیلی استفاده از تجربه مدیریت های گذشته را به عنوان یک تفکر ارزشی تلقی می کند و معتقد است که اگر ارتباط با این سابقه و حافظه مدیریتی بریده شود، به ناچار باید خیلی از تجربیات را دور ریخت و دوباره از صفر آغاز کرد که این کار هزینه زیادی را به جامعه تحمیل می کند. وی بر این اعتقاد است کسانی که بر قله های سازمانی پا می گذارند چنانچه شالوده شخصیتی لازم برای حفظ و ارتقای آن را نداشته باشند، سازمان متبوع خود را به سوی فاجعه خواهند راند. مدیران باید با سعی و تلاش مستمر، ارتقای دانش و مهارت، آشنایی با علوم جدید مدیریتی، نگاه راهبردی و برنامه ریز و آینده نگر عوامل بازدارنده یا کاهش دهنده رشد سازمان را قبل از رسیدن به موانع از پیش رو بردارند. وی ارتقای سازمان های صنعتی کشور را به کلاس جهانی مستلزم چابکی و انعطاف، تفکر ناب سیستمی، رعایت استاندارد های بین المللی، مشتری گرایی، فرآیند محوری و نگرش فرآیندی می داند و بر این باور است که در دنیای پیش رو باید متفاوت بود، برای متفاوت بودن باید متفاوت اندیشید و راه آن را هم جدا شدن از قواعد فکری موجود می داند. در این مسیر باید همواره به دنبال یافتن قواعد بهتر بود تا راه میان بر رسیدن به اهداف اصلی بیش از پیش نمایان گردد.

خلیلی اعتقاد دارد که در انجام فعالیت های اقتصادی باید از تقلید و کپی نمودن محصولات و لطمه زدن به حیات اقتصادی دیگران پرهیز نمود و در مقابل با خلق ایده های نو و کسب و کار و محصولات جدید پیوسته برای افزایش رفاه و توسعه جامعه توقعات جدید بوجود آورد. بدون تردید در راستای عملیاتی کردن ایده های نو، شکست هایی وجود دارد که این شکست ها هزینه های طبیعی موفقیت اند. باید از شکست ها درس گرفت و پیوسته به دنبال یادگیری از محیط بود. شکست ها را باید بازخوردی برای تکامل ایده ها دانست و با یادگیری مستمر از محیط، مزیت هایی خلق کرد که برای سازمان بقاء و رشد به ارمغان آورد. در جهان امروز دیگر خوب بودن کافی نیست بلکه باید بهترین بود.

محسن خلیلی از دیدگاه بسیاری که او را می‌شناسند دارای خصلت‌ها و ویژگی‌هایی است که فقط در اثر مرور زمان و استمرار همکاری با وی شناخته می‌شود. عشق به کارآفرینی و سازندگی کشور، عشق به کار جمعی و گروه‌گرایی، درجه بالای تحمل‌پذیری و انعطاف‌پذیری، روا‌داری و احترام به عقاید دیگران، مثبت‌گرایی و تشویق دیگران به کار و تلاش، هدفمندی و بلندنظری، ارج نهادن مشارکت افراد در راه موفقیت، خطرپذیری و عبرت‌گرفتن از اشتباهات و شکست‌ها، هوشمندی در تشخیص راه از بیراه بر پایه اندیشه‌های روشن، صراحت و شجاعت در بیان باورها و نظرات و دیدگاه‌ها، برخورداری از حس قوی همدلی، ادب‌گوش کردن به سخنان دیگران، تعادل و آرامش روحی عمیق، صمیمانه سخن گفتن، بهره‌مندی از هوش عاطفی بالا، شوق به آموختن، بردباری در برابر دشواری‌ها و رویدادهای تلخ، پایبندی به اصول اخلاقی، توانایی بالای هماهنگی، و نظم و صرفه‌جویی از جمله ویژگی‌های شخصیتی وی است که در زندگی خصوصی، حرفه‌ای، صنعتی و اجتماعی سرلوحه کارهایش بوده است.

محسن خلیلی بدون شک یکی از نخبگان صنعتی و بزرگان روزگار ما است که مقوله سرمایه‌داری و سرمایه‌گذاری را با اخلاق، منافع ملی و فرهنگ ملی پیوند زده است و با جان و دل در خدمت توسعه میهن و رفاه مردم بوده است. او عاشق آب و خاک و مردم خوب و صبور و نجیب سرزمین خود بوده است و برای سازندگی این مرز و بوم و افزایش رفاه و بهتر زیستن مردمان آن سختی‌های بی‌شماری را به جان خرید. به صنعت عشق ورزید و برای پایایی و پویایی آن رنج‌ها و فشارهای گوناگون را تحمل کرد. او تشکل‌گرایی را در جامعه فرد محور ما نهادینه کرد. دلمشغولی اشاعه فرهنگ صنعتی، بهبود در نهادها و نگرش‌ها و رفتارها و ارزش‌ها، بهبود فضای کسب و کار و مقررات‌زدایی، بهبود بهره‌وری، اشتغال‌جویان، گسترش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، رشد ارزش‌افزوده صنعتی و ارتقای سهم آن در GDP، حکمرانی خوب، کاهش دخالت دولت در اقتصاد، آزادی اقتصادی، رقابت‌پذیری اقتصاد ملی، خصوصی‌سازی، عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست، حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده، توانمندسازی بخش خصوصی و ارتقای جایگاه آن در اقتصاد ملی، و دولت توسعه‌گرا را همدم روزها و شب‌هایش نمود بطوریکه در تعقیب آنها حتی با گذشت هشتاد و یک بهار از عمرش بدون چشم‌داشت به مقام‌ها، نام‌ها و نشان‌ها با کمال تواضع و فروتنی در کارگروه‌ها، کمیته‌ها، کمیسیون‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌ها، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، اتاق‌های مشترک، سمینارها و همایش‌ها، شورای عالی

اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، شورای عالی کار، شورای رقابت و دیگر نظامات و نهادها و دستگاه‌های مسئول و تصمیم‌گیر در سطح کلان خود را به ارزیابی عرضه نموده است.

او در تعقیب راهی که انتخاب کرده هر کاری که یک انسان شرافتمند و مسئول و تاثیرگذار می‌توانست و بایستی انجام دهد، انجام داده است. چنین شخصیت‌های ارزنده‌ای هستند که یک کشور را می‌سازند و انشا... که خداوند از این نوع آدم‌ها زیاد نصیب کشورمان کند.

اندیشه ورود به صنعت

ذوق و علاقمندی به صنعت و مهندسی از نوجوانی در خلیلی وجود داشت بطوریکه در دوازده سالگی با دست‌های ناتوان خود در باغ وسیعی که در خیابان دربند خیابان خلیلی داشتند، یک کارگاه صنعتی تدارک دیده و تمامی ابزارآلات آن را بصورت دستی تهیه و در حد توان خود محصولات مختلف فلزی می‌ساخت. همچنین از آنجا که پدرش از یک خانواده روحانی کم‌درآمد برخاسته بود، ترک معلمی و ورود به صنعت در ارتقای سطح زندگی‌شان تاثیر بسزایی داشت. لذا این پدیده از همان اوان این اعتقاد را در وی ایجاد کرد که صنعتی شدن موجب افزایش درآمد و رفاه جامعه می‌شود و با این تفکر بود که وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد.

وقتی وارد دانشگاه شد دانشجویان عضو حزب توده به شدت مشغول فعالیت بودند. خلیلی که نمی‌توانست در مقابل فعالیت افرادی که به راه و روش‌شان اعتراض داشت ساکت بنشیند، با توجه به زمینه ذهنی خود به گروه دانشجویان مسلمان پیوست و همانند خیل عظیمی از دانشجویان برای توسعه کشور با جنبش آزادی‌خواهی و ملی‌شدن صنعت نفت که امیدهای فراوانی در دل وی برانگیخته بود، همراه شد. به عنوان عضو فعال انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در همه تظاهرات و برنامه‌های نهضت شرکت می‌کرد. وقوع کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - که یکی از سیاه‌ترین و تلخ‌ترین روزهای زندگی‌اش بوده است - و نیز آنچه بر دکتر مصدق در جریان ملی‌شدن صنعت نفت گذشت، این معنا را در ذهن ایشان تقویت نمود که با اکثریت فقیر و بیسواد نمی‌توان کشور را متحول نمود به توسعه و رفاه رساند. در آن هنگام دریافت که ترقی یک مملکت همانقدر که به راهبری نیاز دارد، مستلزم ایجاد نهادها و زیرساخت‌های متناسب فرهنگی و اجتماعی است. به این اعتبار، بر بستر آموخته‌هایش

رویای توسعه و پیشرفت کشور از مسیر توسعه صنعتی نقش می بست، صنعتی که در سایه آن درآمد و رفاه همه افراد و گروه های انسانی افزایش یابد و مردم از سطح زندگی بالایی برخوردار شوند

محسن خلیلی با توجه به ذوق و علاقمندی به صنعت و مهندسی از نوجوانی و نیز با عنایت به تعلیمات یک پدر صنعتگر و آموخته های دوران تحصیل، هم چنین افتخارات دوران ملی شدن صنعت نفت و تجارب آن، تصمیم گرفت به رسم اسبی به ارباب صنعتی کردن کشور بپیوندد و براهی قدم گذارد که حاصل آن خدمت به غنای مادی و تعالی دانش و رفتار هم میهنان نیازمند را در بر داشته باشد. خلیلی از آن پس، هر روز به این اعتقاد راسخ تر شده است که با توجه به منابع و امکانات کشور و نیز اینکه نزولات باران در کشور ما معادل ثلث متوسط جهان است، محور و اساس توسعه کشور، صنعتی نمودن آن است. وی می گوید؛ وقتی که در خدمت صنعت درآمد یعنی سال ۱۳۳۲ سهم صنعت در GDP حدود ۰/۸ درصد بود ولی امروز که این سهم به حدود ۲۲ درصد رسید، برایم تردیدی نیست که براهی که قدم گذاشته ام درست بوده است.

محسن خلیلی در جهت عملی کردن تصمیم خود بعد از فارغ التحصیلی از دانشکده فنی دانشگاه تهران با پیشنهاد بسیار دشوار پدرش مبنی بر استفاده از گازمایی که در پالایشگاه های نفت می سوخت، روبرو شد و آن را صمیمانه پذیرفت و بلافاصله بعد از پایان تحصیلاتش به همراه پدر با سفر مطالعاتی - تحقیقاتی به اروپا و آمریکا چگونگی استفاده از گاز مایع را بررسی نموده و به موازات آن با تاسیس شرکت بوتان در سال ۱۳۳۲ در خدمت صنعت و اقتصاد کشور درآمد. چندی نگذشت که خواهر و چهار برادرش خانم منصوره خلیلی و آقایان سعید، حمید، شاهین و فرخ خلیلی بعد از فارغ التحصیلی از دانشکده های مهندسی آمریکا و نیز چه بسیار مهندسیین و مدیران و کارکنان صاحب ارچی که یا بازنشسته و از دنیا رفتند و یا آنکه در فعالیت حضور دارند به آنها پیوستند و توسعه بیشتری به فعالیت بوتان داده شد.

چرایی برگزیدن تشکل گرایی برای توسعه صنعتی

محسن خلیلی را باید به حق پرچم دار جنبش تشکل گرایی در تاریخ معاصر ایران دانست. مروری بر تاریخچه فعالیت های اجتماعی بیش از پنج دهه وی در اشاعه فرهنگ صنعتی و ایجاد و توسعه تشکل های صنعتی و توانمند ساختن بخش خصوصی و تلاش بی وقفه جهت اشاعه این باور و یقین در ارکان حکومتی و غیرحکومتی مبین آن است که وی اعتقاد عمیق دارد که بدون کوشش برای ایجاد

بستر فکری و فرهنگی و تنها با وارد کردن و نصب ماشین آلات و کارخانه ها، صنعتی شدن جامعه ممکن به نظر نمی رسد.

خلیلی آن هنگام که وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و به عضویت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران درآمد با الفبای تشکل گرایی آشنا شد و به حقیقت دریافت که تشکل گرایی و بهره مندی از خرد جمعی مایه دستیابی به تحقق اهداف و آرزوهای مردم معتقد به معنا و مجاهد فی سبیل اله است. وی می گوید: "به دنبال اشاعه فرهنگ صنعتی بودم و ابزار مناسب این کار را یارگیری از صنعتگران کشور می دانستم. بر این باور بوده ام که با استفاده از خرد جمعی در حل مشکلات اقتصادی و صنعتی کشور می توان به نتیجه رسید. از آنجا که راه صنعتی شدن هموار نبود، در طول فعالیت های صنعتی ام تشکل گرایی و استفاده از خرد جمعی و تعامل با دولت را برگزیدم و دریافتیم که خردجمعی می تواند تفاهم، همدلی و همکاری بخش خصوصی با دولت را تقویت نماید. لذا در طول بیش از پنج دهه فعالیت های حرفه ای، صنعتی و اجتماعی ام از تمامی وقت خود ۲۵ درصد را مصروف صنعت خصوصی نموده ام - که البته برادران تحصیلکرده و زحمتکش و عزیزم خلاءهای احتمالی آن را پر نمودند- و ۷۵ درصد دیگر آن را در تشکل گرایی برای اشاعه فرهنگ صنعتی و ایجاد یک حرکت عمومی در صنعت بکار انداختم."

عضویت در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران (۳۲-۱۳۲۸)، موسس سندیکای توزیع کنندگان گاز مایع ایران (۱۳۴۲) و ریاست هیات مدیره آن از آغاز فعالیت تاکنون، عضو هیات مدیره سندیکای لوازم خانگی از ۱۳۵۲ تاکنون، موسس شورای سازندگان وسایل گازسوز و ریاست هیات مدیره آن از بدو تاسیس (۱۳۶۰) تاکنون، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران و تهران از بدایت توفیق انقلاب اسلامی تاکنون و عضو هیات رئیسه اتاق ایران در سمت های خزانه دار و نائب رئیس اتاق ایران در دو دوره چهارساله (دهه های ۷۰ و ۸۰)، عضو هیات موسس انجمن مدیران صنایع (۱۳۵۹) و ریاست هیات مدیره آن از ۱۳۶۰ تاکنون، نماینده کارفرمایان کشور در شورایی عالی کار در سال های ۱۳۵۸، ۱۳۶۲ و ۸۸-۱۳۸۵، موسس و رئیس هیات مدیره کنفدراسیون صنعت ایران از آغاز فعالیت (۱۳۸۰) تاکنون، نائب رئیس انجمن دارندگان نشان استاندارد، یکی از پایه گذاران اتاق ایران و بلژیک و ریاست هیات مدیره آن از بدو تاسیس تاکنون، عضو هیات رئیسه و خزانه دار اتاق ایران و کانادا از بدو تاسیس تاکنون، همکاری در تاسیس کانون عالی کارفرمایان ایران و عضو هیات مدیره آن از

آغاز تاکنون و همچنین دبیر کل آن از ۱۳۸۶ به این سو، کمک موثر در شکل‌گیری انجمن صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی کشور در کسوت ریاست کمیسیون صدور خدمات فنی و مهندسی اتاق ایران در دهه ۱۳۷۰، نایب رئیس کمیسیون صنعت اتاق ایران در دهه های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰، ریاست کمیسیون صنعت اتاق تهران در دهه ۱۳۸۰، مسئول شورای مشاوران بخش خصوصی وزیر صنایع و معادن (۸۴-۱۳۸۱)، رئیس هیات مدیره انجمن سازندگان تجهیزات CNG و سوخت های جایگزین از بدو تاسیس تاکنون، عضو شورای فرهنگ و صنعت وزارت صنایع (۸۴-۱۳۸۱)، عضو خبره بخش خصوصی در شورای عالی اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، عضو خبره بخش خصوصی در شورای عالی رقابت، عضو هیات داوران جایزه ملی بهره وری و تعالی سازمانی، عضو خبره بخش خصوصی در هیات امناء سازمان تامین اجتماعی، همچنین کمک به تاسیس انجمن های مختلف و متعدد اقتصادی، صنعتی و نیز انجمن های فارغ التحصیلان دانشگاهی همه و همه مبین اثبات این مدعا و محور اصلی فعالیت های اجتماعی محسن خلیلی بوده است.

خلیلی تشکل ها را عامل ایجادو اشاعه فرهنگ مشارکتی در ایجاد ارتباط و تعامل سازنده با قوای سه گانه مملکتی، دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی، ایجاد هماهنگی در نظرات و دیدگاه های صاحبان صنایع، کمک به رفع مشکلات و تنگناهای صنعت، تحقق اهداف آرمانی مانند عدالت اجتماعی، توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست، حمایت از مصرف کننده و تولید کننده می داند. او معتقد است که صنعتگران و کارآفرینان در صورتی می توانند در راه توسعه صنعتی از نقش موثر برخوردار گردند که خرد و تجربه جمعی خود را در حل مشکلات بکار گیرند و سازمانی منسجم، مسئول و دلسوز داشته باشند تا یار و یاور صنعت و زمینه ساز و هدایت گر توسعه آن باشد. در بیان دیگر صنعتگران به طور منفرد قادر به بیان نظرات و تاثیرگذاری بر اهداف بخش صنعت نیستند و این امر ضرورت وجود نهادهای واسط نظیر تشکل ها را توجیه می کند. بطوریکه آنان ضمن ایفای نقش پویا و فعال در انجام امور، در جهت یکپارچه نمودن تلاش های فردی و به ثمر رساندن آنها تشکل هایی ایجاد می کنند تا حرکت های جمعی را هدفمند سازند و با برنامه ریزی و سازماندهی مناسب، تحقق اهداف صنعتی را تسهیل نمایند. وی تاکید می کند، در عمل، وجود این تشکل ها نمود بارزی از مشارکت صنعتگران در تعیین سرنوشت خویش است.

در مسیر تحقق اهداف صنعتی و اشاعه صنعت کشور از طریق تشکل‌گرایی خلیلی می‌گوید؛ در دورانی که به اتفاق یارانم افتخار خدمتگزاری در تشکل‌های صنعتی داشته‌ام، خدمات طرح‌ها و مطالعات اقتصادی و صنعتی تنها انجمن مدیران صنایع برای قوای مجریه و مقننه خود حدیث مفصلی است که در کتاب‌ها و مطبوعات متعدد آمده و خواهد آمد. در طول این سالها همواره بخش عمده‌ای از تلاش‌ها و امکانات اینجانب و نیز برسم نمونه انجمن مدیران صنایع که راهبری آن را به عهده داشتم برای بررسی و پیشنهاد قوانین مورد نیاز صنعت، تدوین استراتژی‌ها، و راهکارهای رفع مشکلات اقتصاد و صنعت کشور صرف شده است که تحلیل قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران و متوقف نمودن آن، بررسی قانون تجارت خارجی و از دستور خارج ساختن آن، تحلیل و بررسی قانون مالیات‌های مستقیم و تعدیل مالیات غیرقابل تحمل بنگاه‌های اقتصادی، و مطالعه و بررسی طرح مربوط به مالیات بر ارزش افزوده، قانون تامین اجتماعی، قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، قوانین تاسیس وزارت صنایع سنگین و وزارت صنایع و معادن (و سپس الحاق این دو باهم)، قانون امور گمرکی، قانون بهره‌وری، قانون تجدید ارزیابی دارایی‌ها، قانون جلب سرمایه‌های خارجی، قانون و مقررات خصوصی‌سازی، قوانین بودجه، مقررات مربوط به دریافت مابه‌التفاوت گشایش اعتبارات ارزی، قانون بازنشستگی پیش از موعد، اصل ۴۴ قانون اساسی، همچنین تدوین استراتژی توسعه صنعتی و ترسیم چشم‌انداز اقتصاد و صنعت کشور در بلندمدت، تحلیل اقتصاد ایران پس از جنگ تحمیلی و چگونگی گذر از دوران بازسازی و خرابی‌های جنگ، بررسی جامع استراتژی توسعه صادرات صنعتی، بررسی و تحلیل بودجه کل کشور در بیشتر سالها، بررسی شاخص‌های اقتصاد ایران، سیاست‌های ارزی، تورم و سرمایه‌گذاری، معرفی بحران اقتصادی و راه‌های مقابله با آن، تشریح اهداف و سیاست‌های بلندمدت توسعه اقتصادی، نقدینگی و آثار افزایش رشد آن، تحلیل برنامه‌های پنج‌ساله اول تا پنجم توسعه، قاچاق، ترابری و حمل و نقل جاده‌ای، امنیت اقتصادی، و بهبود کیفیت در تولید، تنها نمونه‌ای از آن است.

از دیگر وجوه فعالیت تشکل‌گرایی محسن خلیلی حضور وی در شوراها، کمیسیون‌ها، کمیته‌ها، و سمینارهای بسیاری است که در سطح دولت تشکیل می‌شد و از تشکل‌ها و مدیریت آن دعوت می‌شد که در آنها شرکت و به بیان نظر بپردازد

بطوریکه در هر سال بخش عمده‌ای از وقت و امکانات خلیلی و تشکل‌های تحت مدیریتش برای شرکت در این مجامع اختصاص می‌یافت.

نقشی که خلیلی در طول سالها در پرتو مدیریت علم محور و آرمان‌گرا در تشکل‌های صنعتی تحت مدیریت خود ایفا کرد- و آرزو نموده که اگر خدا بخواهد مدون گردد- توانسته است آنها را به مرتبه‌ای از ارزش‌ها برساند که به عنوان کانونی مجهز به اندیشه و علم در صحنه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری مطرح شوند و مورد مشورت جامعه‌صنعتی و دولت و مجلس قرار گیرند. شخصیت وی در تشکل‌های صنعتی به عنوان راهبری واقع‌بین و هدایت‌کننده، مصلح، امیدوار به آینده، سازگار با شرایط، و آرمان‌گرا که از زمان و مکان فاصله می‌گیرد، همواره سبب ساز بوده است. وی هیچگاه از عشق به وطن، مردم، به تاریخ کهن و فرهنگ ایران دور نمی‌شود و همیشه در پی آن بوده است که با توسعه صنعتی کشورش و ساختن سرزمینی که به آن عشق می‌ورزد، راهی برای فقرزدایی و درماندگی مردم بجوید.

مشارکت در بنیان‌گذاری و راهبری صنعت گاز مایع

تاسیس شرکت بوتان در محضر پدر در سال ۱۳۳۲ آغازی فرخنده بر کارآفرینی‌های محسن خلیلی بود که به تدریج یکی پس از دیگری در سالها و دهه‌های بعد در سراسر کشور به واقعیت پیوست. وی از این افتخار بهره‌مند است که در خدمت پدر بنیانگذار صنعت گاز مایع و ایجاد‌کننده شرایط لازم برای استفاده از گاز در بخش صنعت و مصارف خانگی و تجاری باشد.

پس از ملی شدن صنعت نفت که ایران تا حدودی توانست اختیار سرمایه‌خدادادی و لطف بیکران طبیعی سرزمین خویش را بدست آورد، اشخاص دلسوز و میهن‌پرستی چون محمود و محسن خلیلی متوجه شدند که یکی از فرآورده‌های پر ارزش نفت، یعنی گاز، سالهای متمادی بر اثر سهل‌انگاری از دسترس استفاده و مصرف مردم مملکت دور نگهداشته شده و بیهوده از بین می‌رود. همان زمانی که روستائیان زحمتکش ایران در سرما و گرما ناچاراً دست به غارت جنگلهای پرارزش و بوته‌زارهای ذیقیمت دشت و صحرا و بیابان برای گرم کردن اجاق خانه یا کرسی کلبه محقر روستایی خویش می‌زدند، گاز همراه حاصل از استخراج نفت بر سر چاهها بصورت آزاد سوزانده می‌شد. این اشخاص کارآفرین و عاشق‌سازندگی کشور ب فکر چاره افتادند که این سرمایه عظیم ملی تلف و نابود نشود و با سرمایه‌گذاری و ایجاد تاسیسات لازم،

مردم کشور را از این نعمت بزرگ الهی بهره مند سازند و لذا اشاعه مصرف گاز مایع و تحویل آن به مردم کشور را شروع نمودند.

محسن خلیلی معتقد بود که ساخت وسایل گاز سوز را هر چه زودتر باید در داخل کشور آغاز کرد، چرا که مصرف گاز مایع مستلزم وجود لوازم گازسوز و سیلندر گاز مایع و ظروف تحت فشار برای حمل، ذخیره سازی و توزیع آن است. بر این اساس، شرکت بوتان به موازات گسترش توزیع و اشاعه مصرف گاز مایع در کشور به طراحی و تاسیس واحدهای صنعتی و تولیدی عدیده اقدام نمود بطوریکه گروه بوتان در طول حیات خود بیش از ۲۰۰ نوع وسایل گاز سوز را تولید کرده است.

طراحی و ایجاد تاسیسات ذخیره سازی و سیلندر پرکنی، طراحی و احداث تاسیسات ذخیره سازی مصرف گاز مایع بالک، طراحی و احداث ترمینال های بارگیری و تخلیه گاز مایع، و نیز ورود به تولید محصولات مختلف صنعتی مثل سیلندر و مخزن ذخیره گاز در ابعاد و اندازه های مختلف، انواع اجاق های پلوپز یک تا چهار شعله، کباب پز و هود، آبگرمکن، بخاری گازسوز، رادیاتور، شوفاژ دیواری، کولرگازی، میکروفر، اتصالات گازمایع، چینی بهداشتی و ... تنها بخشی از اقدامات گروه بوتان برای پاسخگویی به گسترش عرصه کاربرد گاز برای بهبود شرایط زندگی و گسترش رفاه مردم بوده است.

این ضرورت های تازه، گسترش نیروی کار، توجه به تربیت نیروی انسانی، آموزش فنی و ظرفیت سازی در زمینه های گوناگون سرمایه مالی، سرمایه انسانی و توانایی های فنی را در داخل شرکت به ارمغان آورد. به گونه ای که گروه بوتان در آغاز دهه پنجاه توانست بستر لازم برای صادرات محصولاتش را فراهم نماید. اما گسترش تقاضای داخلی بر اثر افزایش قیمت نفت در این دهه، اولویت فروش در بازار داخلی و بی نیازی از ارز خارجی از سوی دولت (به علت درآمد های بالای نفتی کشور)، اهمیت صادرات را برای شرکت ها در اولویت قرار نداد. این پدیده با وقوع انقلاب، جنگ و تحریم اقتصادی، فعالیت شرکت ها را دچار اختلال اساسی نمود.

با این حال گروه بوتان بر توسعه فعالیت خود افزود و جایگاه مهمی در داخل کشور و منطقه خاورمیانه بدست آورد و برسم مثال به عنوان بزرگترین تولیدکننده شوفاژ گازی دیواری و آبگرمکن کشور و بزرگترین تولیدکننده آبگرمکن گازی دیواری خاورمیانه معرفی گردید. گروه بوتان همچنین در اوایل دهه ۱۳۸۰ با اخذ استاندارد

CE از شرکت APPLUS برای آبگرمکن قادر به صادرات این محصول به اروپا نیز گردید.

گروه بوتان با اتکاء به غنای علمی و تجربه اندوزی و یادگیری از صنایع پیشرفته جهان و نیز با رعایت اصولی چون -تحلیل مستمر تحولات محیطی- بروز واکنش بجا و به موقع و سازگار با شرایط محیطی- همگامی با نیازهای جامعه و سیر تحولات آن از راه تولید محصولات جدید- افزایش مستمر قابلیت رقابت با رقبای حال و آتی- ارتقای روزافزون کیفیت محصولات شرکت - توجه دائم به جلب رضایت مشتریان - و حفظ ارزش و اعتبار اجتماعی و ایفای مسئولیت اجتماعی و شهروندی سازمانی - همواره بر آن بوده است که سهم و نقش خویش را در گسترش مصرف گاز و اشاعه فرهنگ مصرف گاز به عنوان مناسب ترین و پاک ترین حامل انرژی در کشور گسترش دهد و به سهم خود در توسعه اقتصاد ملی و رفاه مردم نقش موثری داشته باشد.

پیشگامی شرکت بوتان در اشاعه مصرف گاز در کشور و گام گذاشتن در مسیر ناشناخته ها به سختی و تحمل زیان و دشواری های فراوان اما با عشق به رفاه مردم و توسعه ملی منجر به توزیع و مصرف بیش از دو میلیون تن گاز مایع در کشور، ایجاد بیش از ۶۰ شرکت توزیع کننده گاز مایع و تاسیس دهها شرکت و کارگاه صنعتی سازنده وسایل گاز سوز گردید تا جایی که مصرف گاز مایع برای مصارف خانگی و صنعتی و تجاری فراگیر شد که منحصراً در بخش خانگی و در روزگار اوج مصرف گاز مایع که جانشین مصرف نفت سفید و درختان و جنگلها می شد، شرکت های توزیع کننده گاز مایع متجاوز از ۹ میلیون و پانصد هزار خانوار را در اشتراک خدمات گازرسانی خود داشتند.

ایجاد سالانه حدود ۵۰۰ میلیون دلار صرفه جویی ارزی برای کشور، ایجاد فراتر از یک هزار میلیون ریال ارزش افزوده سالانه صنعتی، ایجاد بیش از سی هزار فرصت شغلی، پیشگیری از تهیه ذغال چوب و لطمه به محیطزیست در راستای توسعه پایدار، و رهانیدن خانم های ایرانی از آشپزخانه های دود زده سنتی و مهم تر از آن آزاد شدن وقت آنان برای پرداختن به سایر امور، همچنین معرفی و استقرار استانداردهای بین المللی در صنعت گاز مایع ایران، مشارکت در تدوین استانداردهای صنعت گاز مایع و استقرار آن در کشور، مشارکت در تدوین استانداردهای تجهیزات تحت فشار و استقرار آن، مشارکت در تدوین استانداردهای لوازم گاز سوز و استقرار آن، مشارکت در تدوین استانداردهای سوخت های جایگزین گازی، و تهیه و تدوین کتابها و دستورالعمل های آموزش صنعت گاز مایع و لوازم گازسوز تنها حاصل بخشی از تلاش های گروه بوتان به راهبری

محسن خلیلی به عنوان پیشگام معرفی و عرضه گاز مایع در فرآیند توسعه صنعتی و اقتصادی و خدمت به رفاه مردم بوده است.

پایه گذاری شرکت بوتان در استفاده از گاز مایع و اشاعه فرهنگ مصرف آن در کشور زمینه تاسیس شرکت ملی گاز ایران در سال ۱۳۴۸ را فراهم نمود که به دنبال آن طی سه دهه گذشته استفاده از گاز طبیعی در کشور فراگیر شد بطوریکه به باور متخصصان اقتصاد انرژی چنانچه گاز طبیعی وارد سبد انرژی مصرفی کشور نمی شد ما اکنون نفتی برای صادرات نداشتیم. در واقع می توان گفت که راهبری محسن خلیلی در اشاعه فرهنگ مصرف گاز در کشور مصداق کامل "رهی پیشم آور که فرجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار" است.

مهار بحران دولتی کردن بوتان

پس از فوت بنیانگذار یکی از مشکلاتی که در شرکت ها رخ می دهد، مسئله تفاوت دیدگاه و تضاد منافع در خانواده های سرمایه داری صنعتی است. شرکت هایی که بخت پذیرش اقتدار یکی از اعضای خانواده در نقش مدیریتی را داشتند امکان تداوم و توسعه فعالیت به صورت جمعی برایشان فراهم شد. چه بسا خانواده هایی که پس از فوت موسسانش با فاصله کمی، شرکت هایشان فروخته شد یا شرکت به علت اختلاف وارثان با هم فروپاشید. خانواده خلیلی بخت آن را داشتند که وحدت خانوادگی را پس از محمود خلیلی - که در سال ۱۳۵۳ از دنیا رفت - حفظ نموده و با شیخوخیت محسن خلیلی انسجام فعالیت گروه بوتان بویژه در سال های پرتلاطم و بحران زای دهه ۶۷-۱۳۵۷ حفظ شده و در برنامه های شرکت برای تداوم حوزه فعالیتش اختلالی رخ ندهد.

با پیروزی انقلاب، مشکلات خاص ناشی از تب و تاب آن، بحران دولتی کردن موسسات، شعارهای ضد سرمایه داری و فعالیت های سیاسی گروه های مختلف بر شرکت ها تحمیل گردید. حفظ شرکت بوتان در این وضعیت بحرانی، مستلزم علاقه و تلاش طاقت فرسایی بود که محسن خلیلی مسئولیت آن را در این فضای پرآشوب عهده دار بود. دخالت غیرمسئولانه نیروهای بیرون و داخل شرکت ها به حدی پیچیده شده بود که بسیاری از صاحبان صنایع امکان فعالیت در این دوره را غیرعملی دانسته و شرکت های خود را رها نموده و نهایتاً برای کار به خارج از کشور رفتند. این دخالت ها

و فشارها بر بسیاری از شرکت ها و از جمله شرکت بوتان تا سال ها همچنان اعمال می شد.

به دلیل در خارج از کشور به سر بردن تعدادی از سهامداران بوتان به منظور تحصیل و موارد دیگر، شکایتی بر علیه شرکت در دادسرا طرح شد که این پرونده از سال ۱۳۵۸ تا ۱۸ تیر ۱۳۸۲ از سوی ستاد اجرای فرمان امام و دادسرا مرتباً پیگیری و صاحبان شرکت بوتان و در راس آنها محسن خلیلی برای ادای توضیحات راجع به مسائل ساختگی چون وابستگی به دربار، عدم پرداخت وجوهات شرعیه، فرار از پرداخت مالیات به دلیل زیان ده بودن و سهام غائبین ... صدها مرتبه به دادگاه احضار شدند تا سرانجام پس از قریب به ۲۰ سال حکم به برائت شرکت بوتان در موارد اتهام مذکور صادر گردید. همین پرونده، همراه با موارد بی پایه و اساس دیگری چون عدم رعایت نرخ فروش گاز مایع از سوی مدیران و رانندگان، کمبود عرضه، اخذ وجه برای تعویض سیلندر و ... مدت های زیادی از وقت خلیلی و مدیران مناطق بوتان را برای مراجعات مکرر به دادگاه، بازجویی، دخالت سازمان های متعدد به عنوان کنترل و بازرسی در کار شرکت، تهیه متن حقوقی برای دادسرا، اداره اماکن، اداره تعزیرات، ستاد مبارزه با گرانفروشی، پاسخ وکیل شرکت به دادگاه، دستگیری مدیران، استعفای برخی از مدیران به علت شرایط پرتنش مسائل حقوقی، همچنین در مواردی صدور احکامی مثل پرداخت جریمه نقدی، حکم به زندانی شدن خلیلی به مدت ۱۵ روز (در خوزستان) شلاق، تبعید و زندان و نهایتاً صدور منع قرار پیگرد، تبرئه شرکت بوتان و محسن خلیلی در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، کرمان و ۲۴ شهر دیگر طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۷ به خود اختصاص داد.

مطالعه پرونده حقوقی محسن خلیلی نشان می دهد طی این سالها بیش از صدها روز از وقت وی و دیگر سهامداران و مدیران بوتان، به منظور حل و فصل مسائل خرد و کم اهمیت در نهادهای حقوقی صرف گردید. موسسه ای که دوهزار نیرو و صدها معضل روزمره و پیچیده برای حضور در بازار و رقابت با رقبای داخلی و خارجی دارد به نظر نمی رسد با این مشکلات متعدد حقوقی، فرصتی برای برنامه های جدی و به توسعه فعالیت بیاندیشد. با این وجود شرکت بوتان، از گسترش برنامه هایش غفلت پیدا نکرد و حتی مضاف بر آن با وقوع جنگ تحمیلی و تخریب بخشی از تاسیسات بوتان بر اثر بمباران خرمشهر و اهواز، و نیز محدودیت های ارزی، خروج نیروی انسانی ماهر، عدم همکاری شرکت های بزرگ صاحب تکنولوژی خارجی، و وضعیت تحریم اروپا

و امریکا بر شرکت های صنعتی، گسترش روند صعودی خود را تاکنون ادامه داده است بطوریکه در طول این سالها گروه بوتان علاوه بر بهبود کیفیت و افزایش میزان تولید و تنوع در محصولات متکی بر توسعه اقتصادی کشور و رفاه ملی تا مرز ۹۵ درصد به خودکفایی رسیده است.

مقاومت و مقابله محسن خلیلی در مواجهه با مسائل دادگاه انقلاب اسلامی، صبر و تحمل و پایداری ایشان در جهت احقاق حق و جستجوی راه حل های مختلف جهت حل مساله و جلوگیری از مصادره شدن شرکت و سرانجام تبدیل "مصادره" به "مصلحه" و قبول رای ناعادلانه دادگاه و پرداخت جریمه گزاف، آن هم در اوج بحران های نقدینگی در سالهای زیان ده بودن شرکت بوتان از طریق فروش اموال شخصی خود و خانواده، که با انگیزه ممانعت از متلاشی شدن شرکت و جلوگیری از ضایعه توزیع گاز مایع در کشور و ایجاد مشکل برای بیش از ۴/۵ میلیون خانوار و دو هزار نیروی کار، نمونه های عملی و آشکار اعتقاد این صنعتگر فرهیخته به مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و اجحاف و تلاش پیگیر برای احقاق حق بخش خصوصی و ارائه یک الگوی کارآفرین مردم دوست و علاقمند به میهن است که از منافع و مصالح خود به نفع جامعه می گذرد و پیشتیبانی جز خداوند و معتقدات خود ندارد و می خواهد درسی به کارآفرینان امروز و فردای کشور بدهد تا به این باور برسند که برای توفیق، راهی جز تلاش و مجاهدت و مقاومت در مقابل مسائل و سختی ها وجود ندارد.

اعتقادات و باورهای کلیدی در راه توسعه صنعتی

محسن خلیلی امروزه نامی آشنا در جامعه صنعتی و مهندسی ایران است که در سایه نگرش آرمان گرا و مشرب فلسفی اش که ملهم از دیدگاه جامعه گرایی است، به یکی از پدیده های نادر و استثنایی در تاریخ اجتماعی این آب و خاک تبدیل شده و بدون تردید در "حافظه تاریخی" مردم ما ماندگار خواهد بود. شاید به جرأت می توان گفت که نقشی که وی در طول بیش از پنج دهه در راه توسعه صنعتی کشورش ایفاء کرده است موید و معرف شایستگی هایی است که در طبیعت مردم ایران نهفته است و اگر شرایط، فرصت و زمان همراهی کند می توان با تکیه بر این ظرفیت ها محال ها را ممکن ساخت و باید ها را جایگزین نباید ها کرد.

خلیلی که بیش از سه چهارم عمرش را در خدمت به صنعت و فعالیتهای اجتماعی صرف کرده است، وظیفه خود می داند که آنچه را یافته و به آنها اعتقاد دارد

را در اختیار کارآفرینان و جوانان امروز و فردای این مرز و بوم قرار دهد تا آنان را برانگیزد که در خدمت توسعه، تعالی و رفاه جامعه خویش قرار گرفته و حتی بیش از آن در جستجوی راهی برای کم کردن آلام و دردهای جامعه بشری باشند. چنانچه اعتقادات و باورهایی که وی در مسیر دستیابی به توسعه و رفاه مردم از طریق صنعتی کردن جامعه همواره بر آن تاکید داشت مورد بررسی قرار گیرد، روشن خواهد شد که او چگونه توانست حیات خود را در این راه تداوم بخشد. اشاره به برخی از آنها ارزیابی و داوری نسبت به دست آوردها و کارکردها را آسان خواهد کرد.

یکم: پایبندی به ارزش‌مداری و اخلاق‌محوری

خلیلی همواره بر این باور بوده است که ارزش‌مداری و اخلاق‌محوری مبانی و اصولی هستند که رفتار افراد یک مجموعه را با یکدیگر پایه‌گذاری کرده و بدین طریق می‌توان محیطی سرشار از همکاری، اعتماد، پشتیبانی، همسویی، درستی و تحرک ساخت که کانون تعالی و پیشرفت باشد. وی قبول دارد اگرچه هر یک از افراد یک مجموعه از نظر فرهنگ، استعداد و برخی باورها با یکدیگر متفاوت هستند اما ارزش‌های محوری و اصول اخلاقی مشترک سبب می‌شود که تفاوت‌ها و تضادها به نیرویی برای پیشرفت و نیل به هدف تبدیل گردند. در چنین فضایی، همکاری، نوآوری، یادگیری و بهبود مستمر افزایش می‌یابد و افراد و بنگاه‌های صنعتی را قادر می‌سازد که به سهم خود توان ارزش‌آفرینی بالاتری داشته باشند و چرخ صنعتی شدن را با سرعت بیشتری به حرکت درآورند.

دوم: اعتقاد به عدالت اجتماعی و اقتصادی

خلیلی معتقد است توزیع فرصت‌ها و امکانات در جامعه در صورتی عادلانه و منطقی است که همگان در دستیابی به آنها از شرایط برابر برخوردار باشند. این امر نه تنها تولید ثروت توسط افراد را محدود نمی‌کند بلکه با تکیه بر توانایی افراد و باز توزیع ثروت موجب افزایش همزمان ثروت و عدالت اجتماعی در جامعه می‌شود و سطح رفاه افراد و گروه‌های انسانی را ارتقاء می‌بخشد. او معتقد است که در اجرای عدالت اقتصادی و اجتماعی دولت باید با سیاستگذاری صحیح و تدوین مقررات لازم و بهینه، فضایی را به وجود آورد تا صاحبان ثروت، سرمایه‌گذاری‌های جدید در بخش تولید را بهترین محل برای کسب سود و سرریز سرمایه خود تلقی کنند و در نهایت با پرداخت مالیات به حق و مناسب و مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه مانند امور فرهنگی و اجتماعی

به ایجاد شرایط مناسب تر زندگی اقشار فقیر تر جامعه کمک کرده و با میل و رغبت میزان بهره برداری و بهره وری شخصی از ثروت خود را تعدیل کنند.

سوم: بها دادن به خلاقیت ها و ارزش گذاشتن افکار تازه و نو

خلیلی به خلاقیت و نوآوری بسیار بهاء می دهد و از کسانی که دارای چنین توانایی هستند به شدت حمایت می کند و راه را برای پیشرفت شان می گشاید. وی معتقد است، در دنیایی که ما زندگی می کنیم به خصوص جهان سوم که نیازمندیهای زیادی دارد، زمینه برای خلاقیت و نوآوری هم فراوان است، منتهی افراد برای ابداع و کارآفرینی حتماً باید جامعه و نیازمندیهای آن را بشناسند تا بتوانند سیستم هایی را خلق کنند که نیازهای بخش های مختلف جامعه را تامین کند. وقتی یک فرد عاشق توسعه کشور بتواند در طول حیات خودش در زمینه خلق نوآوری با موفقیت روبرو شود با امکانات زیادی مواجه می گردد که این امکانات در نهایت می تواند به تولید و اشتغال و درآمد و رفاه جامعه منتهی شود.

چهارم: دلبستگی شدید به آموزش و یادگیری

خلیلی برای آموزش و یادگیری وزن بسیار قائل است و همواره تاکید می کند که آنچه باعث تحول اساسی در نگرش و تغییر رفتار می شود، آموزش است. وی دور انداختن افکار و اطلاعات کهنه و دوباره آموختن و بازنگری در الگوهای فکری و عملی، همچنین استقبال از تغییر و بهره گیری از روش های علمی جدید را ضرورت پیشرفت و اصلاح امور می داند. بدون بکارگیری دانش جدید، افراد و بنگاه های صنعتی در عقب ماندگی بیشتر غوطه ور می شوند و فاصله آنها با جهان توسعه یافته بیشتر می شود. در حالیکه تنها مزیت رقابتی پایدار در عصر جدید آموزش پیوسته و مداوم و داشتن سازمان یادگیرنده است.

پنجم: اشاعه فرهنگ صنعتی به عنوان زیربنای تحول جامعه

خلیلی بر این باور است که با مردمی که دچار فقر فرهنگی اند، نمی توان کشور را متحول نمود و به سمت پیشرفت سوق داد. لذا تحول در صورتی اتفاق می افتد که کشور از یک سلسله امکانات زیربنایی برخوردار گردد. این امکانات زیربنایی از بعد انسانی، فرهنگ و تخصص است و از بعد فیزیکی کارهای گسترده زیربنایی نظیر توسعه شبکه راه آهن، سدها، فرودگاهها، بنادر، ارتباطات، مخابرات، تامین مواد اولیه، بهداشت،

آموزش و ... است که در کشور به آن توجه خاص شده است. وی معتقد است که صنعت می تواند به عنوان یک عامل زیربنایی، خدمتگزار فرهنگ باشد و در واقع فرهنگ و صنعت با هم در تعامل هستند. در این راستا وی تاکید می کند، برای هر تحولی به نیروی جمعی نیاز است و لذا جمعی را که خود به آن دل بست، صنعتگران هم حرفه اش بود و آرزو نموده از طریق فعالیت تشکل گرایی که یک کار صددرصد فرهنگی است، در کارآفرینان و صنعتگران کشور چنان اعتقاد و کرامتی به وجود آورد که اینان فارغ از خودشان، بیشتر به جامعه شان و ارتقای فرهنگ آن بیاورند.

ششم: واقف بودن به ارزش انسانها و ابراز عشق به آنها

خلیلی در کنار ارزش سرمایه فیزیکی به ارزش سرمایه انسانی که می توانند سرمایه فیزیکی را مدیریت و تکثیر کنند واقف بوده و بر این باور بوده است، آنان که در کار تولید و صنعت هستند هرچه از نظر دانش، بینش و تخصص بالاتر باشند و نیز از مدیریت توسعه انسانی بهره گیرند، در کار خویش توفیق بیشتری خواهند یافت. وی معتقد است، یک کارآفرین باید تشخیص دهد که انسانهایی را که وی در اختیار دارد تا برایش کار کنند همان میل و آرزوهایی را دارند که او دارد و درست مثل او می خواهند پیشرفت کنند. لذا شخص کارآفرین باید این شانس را به آنها بدهد تا علایق شخصی شان را پرورش دهند که در این صورت آنها می توانند بهترین نتیجه را برای کسب و کار داشته باشند. داشتن این حس ارزشمند نسبت به انسانها تنها یک احساس قلبی و صمیمی توأم با عشق و مهرورزی است که کارآفرین علایق و آرزوهای کارکنانش را به عنوان انسان درک کند که این خود نیرویی در آنها برای انجام کارهای بزرگ ایجاد می کند. عشق دارای اقتداری بیکران است که هرگز شکست نمی خورد و برای آدمی سلامت، سعادت، شادمانی، هماهنگی و همه گونه کامیابی را به ارمغان می آورد.

هفتم: در پیش گرفتن شکیبایی و صبر و داشتن شجاعت در عین انعطاف پذیری

در طول سالهایی که خلیلی برای بقای صنعت و توسعه آن تلاش می کرده است، سالهای دشوار، پرتنش، خصومت آمیز و مهاجم در جهت تضعیف و از میان بردن بخش خصوصی و کارآفرینان آن بود. نوعی تسلسل حوادث، فشارها و ماجراها در کشور جریان داشت که تحمل آنها نیازمند شکیبایی، صبر و ایستادگی بسیار بود. شجاعت در عین انعطاف پذیری برای دور زدن موانع روشی بود که وی در پیش گرفت بعلاوه

بی‌باکی در تصمیم‌گیری و راه‌اندادن دو دلی و تردید در دل در مواردی که امکانات و فرصت اجازه می‌داد به وی کمک می‌کرد که راه خود را تداوم بخشد. او عواقب ناشی از تصمیمات خود را می‌پذیرفت و به عذر تسامح از زیر بار مسئولیت شانه خالی نمی‌کرد. وی معتقد است انسانی که در راه رسیدن به روشنایی مبارزه می‌کند به این درجه از معرفت دست می‌یابد که؛ من درست می‌اندیشم، درست تصمیم می‌گیرم و با استواری قدم در راه می‌گذارم و تلاش و پشتکار به خرج می‌دهم، و رنج‌هایی هم که نصیب آدم می‌شود قسمتی از برنامه مشیت الهی هستند که هر اتفاق ناگوار دارای هدف و منظوری است که از ما پنهان و به صلاح است. در نهایت آنچه اتفاق می‌افتد در دستان توانمند خداوند است، او عاشق بندگانش است و همواره برای آنها بهترین را می‌خواهد.

هشتم: اعتقاد به اصول نظام اقتصاد رقابتی و مردمی کردن اقتصاد

اقتصاد خصوصی محور و ضرورت مشارکت مردم در آن و اعتقاد به نظام اقتصاد آزاد و رقابتی بر مبنای شناخت و احترام به شخصیت، آزادی و حقوق افراد از مبانی اولیه نظام فکری خلیلی است که وی بویژه از ابتدای سال‌های بعد از انقلاب بر آن پای فشرده. گرچه با روحیه حاکم در آن زمان، هر نوع حمایت از نقش بخش خصوصی در توسعه و پیشرفت به نوعی دشمنی با آرمانهای انقلاب تلقی می‌شد ولی هیچگاه خلیلی از اصولی که بر آن پایبند بود عدول نکرد و همواره در تمام گفت‌وگوها و نوشتارهای خود و تشکل‌های تحت راهبری و مدیریت وی بر استفاده کشور از تواناییهای بالقوه مردم در کار اقتصادی دفاع کرد و بتدریج و بالاخره آن را وارد سیاست‌ها و از جمله سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی کرد که امروزه از زبان مسئولان کشور به صراحت بیان می‌شود. خلیلی معتقد است که سپردن فعالیت اقتصادی و تصدی‌گری امور به بخش خصوصی موجب استفاده از امکانات و توانمندی‌های همه کسانی می‌شود که در خود توان و قابلیت‌های لازم برای کار خلاق و نوآورانه و متکی به خود را می‌بینند و بدین نحو با افزایش افراد کارآفرین و توسعه کارآفرینی، اشتغال، تولید و رفاه در کشور افزایش می‌یابد.

نهم: نگاه به مسائل به صورت علمی و کارشناسی

نگاه علمی و کارشناسی به مسائل و موضوعات از دیگر اصول مورد نظر محسن خلیلی در راه توسعه صنعتی کشور بوده است تا مسائل از یک استدلال و توجیه

علمی و پذیرفتنی برخوردار گردد. جذب کارشناسان متعدد در زمینه های قانونی، اقتصادی، مدیریتی، آموزشی و صنعتی در تشکل های تحت راهبری و مدیریت وی و نیز در پژوهشکده صنعتگر - که خود آن را بنیان نهاده است - این فرصت را ایجاد که مسائل پایه ای و ریشه ای اقتصاد و صنعت ایران مورد شناسایی و بررسی قرار گرفته و راه حلها و پیشنهادها ی بسیاری را به دولت و مجلس ارائه دهد. دامنه مطالعات و بررسی های انجام گرفته گویای آن است که وی مشارکت در کار توسعه صنعتی را به عنوان یک رسالت ملی تلقی نموده و امکانات و توانایی های خویش را در این راه صرف نموده است. در این خصوص وی می گوید؛ توفیقات بنیادی و اساسی که بدنه اصلی فعالیت های ما را تشکیل می داده است، کارشناسانی بودند که در طول مدت کار به لحاظ اقتصادی و صنعتی رهنمودهایی به ما دادند و تلفیق تجارب کارشناسان باعث شد در بسیاری از زمینه ها بتوانیم در راه صنعتی کردن کشور گام برداریم و در این راستا مشروعیت بخش خصوصی را به دولت بقبولانیم. در این موفقیت مدیون کارشناسانی هستیم که حاضر به همکاری با ما شدند و با علم خودشان ما را بهره مند کردند چون اکثر کارآفرینان، مهندس هستند و برخی از مهندسان ابعاد علوم انسانی شان آن طور که باید و شاید گسترده نیست.

دهم: تشخیص و ارزیابی جایگاه کار و تلاش در رویکرد به پیشرفت و توسعه

کار از دیدگاه محسن خلیلی تجلی عشق است، کار نماد هستی است و هستی نتیجه کار بی وقفه نیروهای شیمیایی و مکانیکی است. از آن زمان که نخستین اتم به جنبش درآمد تا به اتم های مجاور بپیوندد، کار عظیم آفرینش تعطیل نشده است و این آفرینش ادامه خواهد یافت. ما کار می کنیم تا با زمین و روح هماهنگ شویم زیرا بیکاره بودن، بیگانه شدن با فصل ها و جا ماندن از صف حیات است. کار کردن، مهمترین فعالیت انسان است. بدون کار کردن او باطل است، به هیچ کجا نمی رسد، و هیچ نقشی را ایفا نمی کند. آنکس که کار نمی کند، همچون شئی بی فایده و دست و پا گیر به دور افکنده و نابود می شود و باید جای خود را به کارگر لازم و مفید بدهد. ما برای کندوی اجتماع، زنبوروار دنیا می آئیم. ما جز کوشش خود امر دیگری را همراه نداریم. ما ضرورت هستی خود را جز با نیاز به سرشت یک کارگر که انجام وظیفه می کند نمی توانیم توجیه کنیم. وی در این خصوص همواره به یاران صنعتگرش تاکید کرده است که به نقش خود بیاندیشیم که چه می کنیم و ماموریتمان چیست و راهمان

کدام است. ما یار دلسوز مردم و راهنمای شیفتگان کار و برآورنده هرگونه نیازیم. ما از طریق سازندگی در رفع نیازهای مردم و جامعه مشارکت داریم. آرمانمان ایجاد کار و دست آوردمان تولید است و کارکردن را مایه تامین معاش و رفاه جامعه می دانیم. کار ما اصلی ترین ابزار به ثمر رسانیدن اهداف و بهترین بستر برای تحقق و تکامل افکارمان است. محصول حیات ما خلق کار است، آن کاری که تولید، بقاء و جلای حیات را در پی دارد. ارزش، فضیلت و اهمیت با تولید، اشتغال، نوآوری و تعالی پیوستگی دارد. شادی و سعادت ما مرتبط با رفاه انسانها است. رفاهی که از کار برانگیزد و کاری که محتوای آن تولید باشد، تولیدی که در خدمت سلامت جامعه قرار گیرد. در این راستا خلیلی بر این باور بوده است که رفاه عامه مردم فقط از راه افزایش و تراکم ثروت کشور - که در اثر کار و تلاش حاصل شده باشد - امکان پذیر است و اگر سرمایه ای در دسترس است باید صرف هدفها و برنامه‌هایی شود که در آن کار و تولید جریان داشته باشد.

یازدهم. اعتقاد به کارگروهی و ایجاد سینرجی و هم افزایی

افزایش تعامل و همسویی صمیمانه بین تشکل های صنعتی کشور و برگزیدگان آنها از اعتقادات اصلی خلیلی در مسیر توسعه صنعتی بوده است. وی معتقد است که تحقق اهداف صنعتی در گروی یک تلاش جمعی سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده است. بنابراین تنها زمانی که تمام عناصر تشکیل دهنده این مجموعه با یکدیگر همکاری می کنند، می توان انتظار تحقق آن هدف را داشت. وی در راه توسعه صنعتی کشور همواره بر آن بوده است که برگزیدگان تشکل های صنعتی را به یک باور و اعتقاد مشترک برساند و تشکل ها را از حالت جزیره ای و بصورت جدا از هم عمل کردن درآورد بطوریکه با تعامل، همسویی، اتحاد، همکاری و یکپارچه نمودن تشکل‌ها، امکان هم افزایی و سینرجی در فعالیت آنها بوجود آید. خلیلی تصریح می کند در چنین وضعیتی، تشکل ها رفتار و حرکت های خویش را با تصمیمات و قواعدی که برای دستیابی به اهداف صنعتی وضع می شود سازگار نموده و با متراکم ساختن توانایی های فکری و توانمندی های تخصصی قادر خواهند بود کارآیی سیاست های صنعتی را ارتقاء داده و روند صنعتی شدن را تسریع نمایند.

دوازدهم: مقابله با مداخلات اداری دولت در اقتصاد و مقررات دست و پاگیر

به اعتقاد خلیلی اقتصاد ایران در طول یکصد سال گذشته همواره اقتصادی دولت سالار بوده است. دولت نه تنها اقتصاد را در مهار خود داشته بلکه بجای تقویت بخش خصوصی مانع رشد و گسترش آن شده است. اقتصاد دولتی ایران از امتیازهایی برخوردار بوده که بخش خصوصی قادر نبوده است با آن رقابت کند. در واقع بخش خصوصی ضعیف درگیر بوروکراسی دست و پاگیر تحمیلی دولتی بوده است. این موانع بوروکراتیک و ایجاد سدهای غیر قابل عبور برای بخش خصوصی به هرج و مرج قانونی و نبود امنیت برای اقتصاد بویژه اقتصاد تولیدی منجر شده که مسائل و مشکلاتی مانند بیکاری و تورم بالا، پائین بودن درآمد سرانه، پائین بودن بهره وری، کنترل قیمت ها، تکنولوژی عقب مانده، پس انداز و سرمایه گذاری پائین و رشد اندک و پرنوسان اقتصادی از جمله نتایج ناگوار چنین اقتصاد دولت سالاری بوده است. وی بر این باور است برطرف نمودن این مسائل و مشکلات مستلزم آن است که مساعی کارآفرینان کشور در راه اصلاح و بهبود فضای کسب و کار مصروف گردد که البته خود وی در طول بیش از پنج دهه فعالیت اجتماعی در راه مقابله با مداخلات اداری دولت و مقررات دست و پاگیر پیوسته به تعامل با دولت متوسل شد به این امید که حرکت در یک جاده کوهستانی صدسال قبل را به حرکت در یک بزرگراه مدرن امروزی تبدیل نماید. وی با توجه به نتایج حاصل از مطالعات بانک جهانی تصریح می کند که هر قدر دولت ها از تصدی گری رهایی یافتند و کوچک شدند و به حاکمیت پرداختند و از سویی بخش خصوصی به تصدی گری پرداخته است، صنعتی شدن شتاب بیشتری گرفته و رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی و رضایت عمومی حاصل از آن در حداکثر مقدار ممکن ارتقاء یافته است.

سیزدهم: دسترسی به اطلاعات، جمع آوری، دسته بندی و تحلیل آنها

دسترسی به اطلاعات، جمع آوری، دسته بندی و تحلیل آنها همواره مورد توجه و سفارش خلیلی بوده است که در همه سازمانهای تحت مدیریت وی به نوعی به آن پرداخته شد. تجاربی که از این راه بدست آمد منجر به ارائه راهکارهایی گردید که در مواردی جامعه را به یک رفاه نسبی رسانید که از آن جمله باید به توسعه استفاده از گازمایع در صنعت و مصارف خانگی و تجاری اشاره کرد. همچنین مطالعه "اقتصاد بعد از جنگ" که حاصل گردآوری اطلاعات اقتصادی بود به تحلیل عمقی اقتصاد ایران - چه

در حال جنگ و چه بعد از آن - پرداخت و دقیقاً راه برون رفت کشور و ویرانیهای حاصل از جنگ ایران و عراق را ارائه داد که مقایسه مفاد آن با اولین برنامه توسعه که بعد از خاتمه جنگ تحمیلی توسط دولت تنظیم شد و به اجرا درآمد نشان می دهد که چگونه راهکارهای عقلانی دوران سازندگی در این طرح و برنامه اول توسعه بصورت مشابه دیده شده است. گرچه بیش از ۲۵ سال از عمر تنظیم آن می گذرد ولی هنوز برخی رهنمودهای آن ارزشهای عملی دارند.

چهاردهم تعهد و پایبندی به مسئولیت اجتماعی و عمل کردن به آن

خلیلی اگر چه در آغاز فعالیت های حرفه ای، صنعتی و اجتماعی خود با مفهوم مسئولیت اجتماعی آشنا نبود ولی از ابتدا به آن عمل کرده و بر این باور بوده است که صنعتگران بخش خصوصی در برابر جامعه مسئول هستند و دارای نقش حیاتی در شکل دادن به آینده جامعه هستند. یک جنبه مهم از این نقش وارد شدن به فعالیت های رفاه اجتماعی نظیر گسترش آموزش و بهداشت، حمایت از مصرف کننده، حفظ محیط زیست و تلاش برای کاهش فقر و بالا بردن کیفیت زندگی توده مردم در جهت توسعه پایدار است. از این منظر صنعتگران باید تلاش نمایند تا در کنار فعالیت های صنعتی، نقش اجتماعی خود را ایفا نمایند. وی در مسیر این حرکت همواره تاکید نموده که من ماموریت برای خود قائل هستم و آن این است که با قرار گرفتن در خدمت صنعت به خروج مملکت از رکود و عقب ماندگی کمک نمایم و نیز به سهم خود در خدمت ارتقای سطح آموزش و فرهنگ صنعتی قرار گیرم.

پانزدهم پایبندی به آزادی بیان، احترام به آراء و اعتقادات و نظرگاه های دیگران، تشویق مشارکت و همدلی و توسعه فرهنگ کارگروهي، اعتقاد به تکثرگرایی و تنوع طلبی دیدگاه ها، روشنی و صراحت در بیان مقاصد و هدف ها و انتظارات، مقابله با یاس و فرد محوری و جایگزین ساختن امید و نگاه مثبت به آینده همراه با تقویت خودباوری و اعتماد به نفس از دیگر اعتقادات محسن خلیلی در راه توسعه صنعتی است که همواره بر آن اهتمام می ورزید و از سازمان ها و تشکل های تحت مدیریت خود محیطی ساخت که یاران و همکاران وی با آرامش و اطمینان در آن به بیان نظر می پرداختند. این شیوه موجب شد که سازمان ها و تشکل های صنعتی تحت راهبری وی به داده ها و پیشنهادهای بدیعی دست یابند و با شناخت نقاط ابهام به اصلاح دیدگاهها بپردازند و از آن میان با تبادل تجربه ها و آگاهی ها راه حل های موفق

را شناسایی و تکثیر نمایند در واقع خلیلی ارزش قابلیت‌ها و توانایی‌های یاران و همکاران صنعتگرش را دریافته و با تشکیل کمیته‌ها، برگزاری سمینارها و اجلاس‌های عمومی از آنها در جهت بهبود و پیشرفت صنعت کشور به کار بسته است.

درچارچوب این اعتقادات و باورهای محسن خلیلی و شصت سال تلاش و کوشش موثر وی در راه صنعتی کردن کشور بود که نهادها و سازمان‌های متعدد مدنی، خصوصی و دولتی در ۴۷ مورد از وی تقدیر به عمل آورده اند که برسم مثال به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

- انتخاب پیشکسوت نمونه صنعت در سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۵ از سوی وزارت صنایع و معادن.

- تقدیر از سوی مؤسسه مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی و دبیرخانه جایزه ملی بهره‌وری و تعالی سازمانی در سال ۱۳۸۵ موضوع مشارکت تعیین کننده در سالهای مختلف در کمیته داوری جایزه ملی بهره‌وری و تعالی سازمانی.

- انتخاب مهندس برجسته سال ۱۳۸۷ توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.

- تقدیر از سوی وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی در سال ۱۳۸۸ موضوع مشارکت موثر در تهیه و تدوین آئین نامه‌ها و سایر مقررات اجرایی قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

- انتخاب به عنوان قهرمان قهرمانان صنعت در سال ۱۳۸۹ در ششمین جشنواره قهرمانان صنعت کشور توسط وزیر محترم صنایع و معادن.

سخن پایانی آنکه، محسن خلیلی بر این باور است "هرگاه بین هزاران صنعتگر هم سنگر اگر آبرویی نصیب شده باشد، مرهون راهی است که آن را انتخاب و در طول بیش از پنج دهه تعقیب نموده ام".

منابع و مراجع

- ۱- خلیلی، محسن. شکل‌گرایی بستری مناسب برای توسعه صنعتی، پژوهشکده صنعتگر، ۱۳۸۳.
- ۲- خلیلی، محسن. غلبه بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی در گروهی اتحاد، مشارکت و همسویی شکل‌های بخش خصوصی، پژوهشکده صنعتگر، ۱۳۸۶.
- ۳- خلیلی، محسن، انجمن مدیران صنایع، استراتژی‌ها، اهداف و چگونگی اعمال آن، ۱۳۸۰.
- ۴- خلیلی، محسن، سخنی با یاران صنعتگر، پژوهشکده صنعتگر، ۱۳۸۲.
- ۵- خلیلی، محسن، نقش و اهمیت شکل‌ها در فرآیند صنعتی شدن کشور، پژوهشکده صنعتگر، ۱۳۸۱.
- ۶- خلیلی، محسن، سخنی با یاران هیات نمایندگان اتاق تهران در مسیر ایفای هر چه بیشتر رسالت‌هایی که در پیش رو داریم، پژوهشکده صنعتگر، ۱۳۸۷.
- ۷- خلیلی، محسن، نقش و رسالت مهندسی‌ن در توسعه، تعالی و رفاه جامعه، پژوهشکده صنعتگر، ۱۳۸۵.
- ۸- خلیلی، محسن، نگرش بوتان درباره نام تجاری خود، پژوهشکده صنعتگر، ۱۳۸۵.
- ۹- خلیلی، محسن، ده مولفه مهم کارآفرینی، پژوهشکده صنعتگر، ۱۳۸۷.
- ۱۰- خلیلی، منصوره، از دامنه تا قله، بهجت، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۱- خلیلی، منصوره، تاریخ زندگی جناب آقای مهندس محسن خلیلی، ۱۳۸۳.
- ۱۲- داودی راد، عباس، راه نجات کدام است، گردآوری از جلسات تبادل افکار بوتان، سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸.
- ۱۳- چمنی آذر، حمید، محسن خلیلی از زبان دیگران، ۱۳۸۸.
- ۱۴- تاریخچه شرکت بوتان، پژوهشکده صنعتگر، ۱۳۸۴.
- ۱۵- تاریخچه استفاده از گاز مایع در ایران، پژوهشکده صنعتگر، ۱۳۸۲.
- ۱۶- اسکندانی، حمید، خلیلی کارآفرینی با اندیشه‌ای نو، انجمن مدیران صنایع، ۱۳۸۵.
- ۱۷- تحصیلی، رضا، آرزو برای دوست و همکار، مجله کارآفرین، شماره ۸۰، ۱۳۸۹.
- ۱۸- ستوده، محمدرضا، تقدیر از مدیر دلسوز، مجله کارآفرین، شماره ۸۰، ۱۳۸۹.

- ۱۹- جنان صفت، محمدصادق، همچنان هوشمند و بیدار، مجله کارآفرین، شماره ۸۰، ۱۳۸۹.
- ۲۰- انجمن مدیران صنایع، ساختیم، می‌سازیم و خواهیم ساخت، ۱۳۸۵.
- ۲۱- مهرآئین، نسرین، اهم وقایع دادگاه انقلاب، شرکت بوتان، ۱۳۸۴.
- ۲۲- اسکندانی، حمید، جایگاه و نقش خلیلی در مدیریت انجمن مدیران صنایع، ۱۳۸۵.
- ۲۳- خاکی، رضا، نظام اندیشه‌های اجتماعی محسن خلیلی عراقی، سرچشمه‌ها و دامنه آن، ۱۳۸۵.
- ۲۴- جابرانصاری، محمدرضا، استاد تسخیر دل‌ها، مجله کارآفرین، شماره ۸۱، ۱۳۸۹.
- ۲۵- پورفلاح، احمد، در انتظار دست‌های گرم او، مجله کارآفرین، شماره ۸۱، ۱۳۸۹.
- ۲۶- انجمن مدیران صنایع آذربایجان شرقی، نیک‌دل و پاک‌اندیش، مجله کارآفرین، شماره ۸۱، ۱۳۸۹.

سرمایه گذاری ، اشتغال ، تشکل گرایی ،
توسعه ، رفاه

